

تلفظ	معنی
V.aurez parlé	حرف خواهیدزده بود
Ils auront parlé	حرف خواهندزد
Conditionnel	شرطی
Je parlerais	اگر حرف بزنم
Tu parlerais	اگر حرف بزنی
Il parlerait	اگر حرف بزند
N.parlerions	اگر حرف بزیم
V.parleriez	اگر حرف بزنید
Ils parleraient	اگر حرف بزنند
Impératif	امر
Parle	حرف بزن
Parlons	حرف بزنیم
Parlez	حرف بزنند
Parlant	حرف زنیده
Parlé	حرف زده

Verbe Finir

فعل تمام کردن

Je finis	ز - فی نی	تمام من کنم
N.finissons	نوفی نیسون	تمام می کنیم
Ils finissent	ایل فی نیس	تمام می کنند
Imparfait	آمپارفه	ماضی استمراری
Je finissais	ز فی نیسه	من تمام می کردم
N.finissions	نوفی نیسیون	تمام می کردیم

لغت	تلفظ	معنی
Ils finissaient	ایل فی نیسہ	تمام می کردند
Passé composé	پاسہ کمپوزہ	ماضی نقلی
J'ai fini	ژہ - فی نی	تمام کرده ام
N'avons fini	نوزاؤن فی نی	تمام کرده ایم
Ils ont fini	ایل زُن فی نی	تمام کرده اند
Plus que parfait	پلوسکو بارفہ	ماضی بعید
J'avais fini	زاوہ فی نی	تمام کرده بودم
N'avions fini	نوزاؤیون فی نی	تمام کرده بودیم
Ils avaient fini	ایل زاوہ فی نی	تمام کرده بودند
Futur	فوتور	مستقبل
Je finirai	ژ فی نیرہ	تمام خواهم کرد
Futur antérieur	فوتو آنتہریور	مستقبل بعید
J'aurai fini	ژرہ - فی نی	تمام خواهم کرده بود
Conditionnel	کن دی سیونل	شرطی
Je finirais	ژ - فی نیرہ	اگر تمام کنم
Finis	فی نی	تمام کن
Finissons	فی نیسون	تمام کنیم
Finissez	فی نیسہ	تمام کنید
P. présent	پار تی سیپ پرزان	اسم فاعل
Finissant	فی نیسان	تمام کننده
P. passé	پار تی سیپ پاسہ	اسم مفعول
Fini	فی نی	تمام کرده

معنی	تلفظ	لغت
خود را شستن	سِ لَوِه	Verbe se laver
خود را می‌شویم	زُ - مو - لَوِه	Je me lave
خود را می‌شوئیم	نو - نو - لَوْن	N.nous lavons
خود را می‌شوئید	وو - وو - لَوِه	V.vous lavez
ماضی نقلی	پاسه کمپوزه	Passé composé
خود را شسته‌ام	زُمو - وئی لَوِه	Je me suis lavé
خود را شسته‌ای	تو - ته - لَوِه	Tu t'es lavé
خود را شسته است	ایل - سه لَوِه	Il s'est lavé
خود را شسته‌ایم	نو نو سَم لَوِه	N.nous sommes lavés
—	—	—
خود را شسته‌اید	وُ - وو - زت لَوِه	V.vous êtes lavés
خود را شسته‌اند	ایل سِ سون لَوِه	Ils se sont lavés
ماضی استمراری	امپارفه	Imparfait
خود را می‌شستند	زُ - مو - لَوِه	Je me lavais
خود را می‌شستن	تو - ت - لَوِه	Tu te lavais
خود را می‌شست	ایل سِ لَوِه	Il se lavait
خود را می‌شستیم	نو نو لَوِیون	N.nous lavions
خود را می‌شستید	وو - وو لَوِیه	V.vous laviez
خود را می‌شستند	ایل سِ لَوِه	Ils se lavaient

لغت	تلفظ	معنی
Plus-que-parfait	پاوسکوپار فہ	ماضی بعید
Je m'étais lavé	ژمہ تہ لاوہ	خود را شسته بودم
N.nous étions lavé	نونوز تیون لاوہ	خود را شسته بودیم
Ils s'étaient lavé	ایل سہ تہ لاوہ	خود را شسته بودند
Futur	فوتور	آینده
Je me laverai	ژ - مولاورہ	خود را خواهم شست
Ils se laveront	ایل س لاورہ	خود را خواهند شست
Futur antérieur		مستقبل بعید
Je me serai lavé	ژ مو - سرہ لاوہ	خود را شسته خواهم بود
Tu te seras lavé	تو - ت - سرا - لاوہ	خود را شسته خواهی بود
Ils se seront lavés		خود را شسته خواهند بود
Conditionnel		شرطی
Je me laverai	ژمولاورہ	اگر خود را بشویم
N.nous laverions	نونولاوربون	اگر خود را بشوئیم
Négatif	نکافیف	نفی
Interrogatif		استفہام
Je ne parle pas	ژنوپارل - پا	حرف نمیزنم
Je n'ai pas parlé	ژونہ پا پارلہ	حرف نزدهام
Est-ce que je parle?	اسکوژ پارل	آیا حرف میزنم
Parles-tu ?	پارل - تو	آیا حرف میزنی

معنی	تلفظ	لغت
آیا حرف میزند	پارل - تیل	Parle-t-il?
آیا حرف میزنند	پارل تیل	Parlent-ils?
آیا حرف زده ام	از پارله	Ai-je parlé?
آیا حرف زده ای	آ - تو - پارله	As-tu parlé?
آیا حرف زده اند	آن تیل پارله	Ont-ils parlé?
خود را نمی شویم	ژن - مو - ریه لاو - پا	Je ne me lave pas
خود را نشستم	ژ - ن - مو - سوئی پالاوه	Je ne me suis pas lavé
آیا خود را شستم	مو - سوژ - لاوه	Me suis-je lavé?
آیا خود را نشسته ای	ته تو - لاوه	T es tu lavé

صرف افعال مخصوص Conjugaison Particulière

کُن ژو گزن - پارتی کولیه

Mener	مونه	همراه بردن
Je mène	ژ - من	همراه می برم
Tu mènes	تو - من	همراه میبری
Il mène	این - من	عمره می برد
N.menons	نو - مرنون	همراه می بریم
V.menez	وو - مونه	همراه می برید
Ils mènent	ایل - من	همراه می برند
Imparfait	امپارفه	ماضی استمراری
Je menais	ژو - مونه	همراه می بردم
Je menerai	ژو - م نوره	عمره خواهم برد

معنی	تلفظ	لغت
همراه برده‌ام	زه - مونه	J'ai mené
همراه ببر	من	Mène
همراه ببریم	منون	Menons
همراه ببرید	م نه	Menez
خریدن	آشته	Acheter
می‌خرم	زاشت	J'achète
ما می‌خریم	نوزاشه تون	N.achètons
آنها می‌خرند	ایل زاشت	Ils achètent
می‌خریدم	ز آشوته	J'achetais
خواهم خرید	زاشه توره	J'achèterai
خریده‌ام	زه - آاشوته	J'ai acheté
بخر	آشت	Achète
بخریم	آشه تون	Achetons
بخرید	آشوته	Achetez
پوست کردن	په له	Peler
پوست می‌کنم	ژ - پل	Je pele
پوست می‌کنیم	نوو په لون	N.pelons
آنها پوست می‌کنند	ایل پل	Ils pèlent
پوست می‌کندم	ژ - پوله	Je pelais
پوست خواهم کند	ژ - په لوره	Je pèlerai
پوست کنده‌ام	زه پوله	J'ai pelé
پوست بکن	پل	Pèle

معنی	تلفظ	لغت
پوست بکنیم	پِلون	Pelons
پوست بکنید	پهله	Pelez
انداختن	ژته	Jeter
میاندازم	ژ - ژت	Je jette
میاندازیم	نو - ژتون	N. jetons
آنها میاندازند	ایل - ژت	Ils jetent
میانداختم	ژ - ژته	Je jetais
خواهم انداخت	ژ - ژتوره	Je jetterai
انداختم	ژه - ژوته	J'ai jeté
بینداز	ژت	Jette
صدا کردن - نامیدن	آپوله	Appeler
می نامم	ژاپل	J'appelle
می نامیم	نو - زایه لون	N. appelons
می نامند	ایل - ژاپل	Ils appellent
می نامیدم	ژاپوله	J'appelais
خواهم نامید	ژاپه لوره	J'appellerai
نامیده ام	ژه - آپوله	J'ai appelé
بنام	آپل	Appelle
بنامیم	آپه لون	Appelons
بنامید	آ - یوله	Appelez
جارو کردن	بالایه	Balayer
من جارو میکنم	ژ - باله	Je balaie
تو جارو میکنی	توباله	Tu balaies
او جارو می کند	ایل - باله	Il balaie

لغت	تلفظ	معنی
N.balayons	نو - باله - یون	جارو می کنیم
V.balayez	وو - باله به	جارو می کنید
Ils balayent	ایل - باله ی	جارو می کنند
Je balayais	ژ باله به	جارو می کردم
Je balaierai	ژ باله اره	جارو خواهم کرد
J'ai balayé	ژه باله به	جارو کرده ام
Balaie	باله	جارو کن
Balayons	بالا یون	جارو کنیم
Balayez	باله به	جارو کنید
Nettoyer	نه توایه	پاک کردن
Je nettoie	ژ نه توایه	پاک می کنم
Tu nettoies	تو - نه توایه	پاک می کنی
Il nettoie	ایل - نه توایه	پاک می کند
N.nettoyons	نو - نه توایون	پاک می کنیم
V.nettoyez	وو - نه توایه	پاک می کنید
Ils nettoient	ایل - نه توایه	پاک می کنند
Je nettoiais	ژ نه توایه	پاک می کردم
Je nettoierai	ژ نه توایه - اره	پاک خواهم کرد
J'ai nettoyé	ژه - نه توایه	پاک کرده ام
Nettoie	نه توایه	پاک کن
Nettoyons	نه توایون	پاک کنیم
Nettoyez	نه توایه	پاک کنید
Essuyer	اسوئی به	خشک کردن
J'essuie	ژسوی	خشک می کنم

لغت	تلفظ	معنی
Tu éssuies	تو - اسوئی	خشك می کنی
Il éssuie	ایل - اسوئی	خشك می کند
N.éssuyons	نوز - اسویون	خشك می کنیم
V.éssuyez	ووز - اسوی به	خشك می کنید
Ils éssuient	ایل زاسوئی	خشك می کنند
J'essuyais	ژ - سوی به	پاك می کردم
J'essuierai	ژسوی یوره	پاك خواهم کرد
J'ai essuyé	ژه - اسوی به	پاك کرده ام
Essuie	اسوی	پاك کن
Esuyons	اسوی یون	پاك کنیم
Essuyez	اسوی به	پاك کنید
Je commence	ژ کومانس	شروع می کنم
J'ai commeneé	ژه کومانسه	شروع کرده ام
Commence	کومانس	شروع کن
Manger	مانژ	خوردن
Je mange	ژ - مانژ	می خورم
N.mangeons	نو - مانژن	می خوریم
Ils mangent	ایل مانژ	می خورند
Je mangeais	ژ - مانژه	می خوردم
J'ai mangé	ژه - مانژه	خورده ام
Mange	مانژ	بخور

افعال بیقاعده وِرب ا - یرہ گو-لی- یر Verbes irregnièrs

معنی	تلفظ	لغت
زمان حال		Présent
من پائین میآیم	ژِ دِسان	Je descends
من میشنوم	ژانتان	J'entends
من جواب میدهم	ژِ رِپِن	Je reponds
من میفروشم	ژ - وان	Je vends
می میگذارم	ژ - مه	Je mets
ما میگذاریم	نومه تون	Nous mettons
من می گیرم	ژِ پِران	Je prends
ما می کیریم	نو - پرنون	Nous prenons
من می خوابم	ژ - در	Je dors
ما می خوابیم	نو - درمن	Nous dormons
من عازم میشوم	ژ - پار	Je pars
ما عازم میشویم	نوپارتون	Nous partons
من احساس می کنم	ژ - سان	Je sens
ما احساس می کنیم	نو - ساننون	Nous sentons
خارج میشوم	ژ - سر	Je sors
خارج میشویم	نوسرتون	Nous sortons
بکار میبرم	ژ - سِر	Je sers
بکار میبریم	نو - سِرُون	Nous servons
تعقیب میکنم	ژ - سوئی	Je suis
تعقیب میکنیم	نوسوئیون	Nous suivons

معنی	تلفظ	لغت
زندگی می کنم	ز - وی	Je vis
زندگی می کنیم	نو - وی ون	Nous vivons
مینویسم	ژ کری	J'écris
مینویسیم	نو - ز کری ون	Nous écrivons
میمیرم	ز - مر	Je meurs
میمیریم	نو - مورن	Nous mourrons
می گیرم	ز - تی ین	Je tiens
می گیریم	نو - ت نون	Nous tenons
می آیم	ز - وی تن	Je viens
می آئیم	نو - ونون	Nous venons
من می بایست	ز - دوا	Je dois
ما می بایست	نو - درون	Nous devons
دریافت می کنم	ز - رسوا	Je reçois
دریافت می کنیم	نو - رسو - ون	Nous recevons
میتوانم	ز - پ	Je peux
میتوانم	ز - پوئی	Je puis
میتوانیم	نو - یو - ون	Nous pouvons
میخواهم	ز - و	Je veux
می خواهیم	نو - وو - لن	Nous voulons
میدانم	ز - سه	Je sais
میدانیم	نو - ساون	Nous savons
می نوشم	ز - بوا	Je bois
می نوشیم	نو - بو - ون	Nous buvons

Imparfait

آمیزه

ماضی استمراری

لغت	تلفظ	معنی
Je descendais	ز - دسانده	پائین می‌آمدم
J'entendais	زانتانده	می‌شنیدم
Je répondais	ز - ریونده	جواب میدادم
Je vendais	ز - وانده	می‌فروختم
Je mettais	ز - مه‌ته	می‌گذاشتم
Je prenais	ز - پرنه	می‌گرفتم
Je dormais	ز - درمه	می‌خوابیدم
Je partais	ز - پارته	عازم میشدم
Je sentais	ز - سانتِه	احساس می‌کردم
Je sortais	ز - سرتِه	خارج میشدم
Je servais	ز - سروه	بکار می‌بردم
Je suivais	ز - سوئی‌وه	تعقیب می‌کردم
Je vivais	ز - وی‌وه	زندگی می‌کردم
J'écrivais	ز - کری‌وه	می‌نوشتم
Je mourrai	ز - مورِه	می‌مردم
Je tenais	ز - تونه	می‌گرفتم
Je venais	ز - ونِه	می‌آمدم
Je devais	ز - ده‌وه	می‌بایستم

لغت	تلفظ	معنی
Je recevais	ر - رس - وه	دریافت میکردم
Je pouvais	پ - پو - وه	می توانستم
Je voulais	و - وِه	می خواستم
Je savais	س - ساره	میدانستم
Je buvais	ب - بو - وه	می نوشیدم
Futur	فوتور	آینده
Je descendrai	د - دساندره	پائین خواهم آمد
J'entendrai	ژانتاندره	خواهم شنید
Je répondrai	ر - ریوندیره	جواب خواهم داد
Je vendrai	و - واندره	خواهم فروخت
Je mettrai	م - متیره	خواهم گذاشت
Je prendrai	پ - پراندره	خواهم گرفت
Je dormirai	د - درمیره	خواهم خوابید
Je partirai	پ - پارتیره	عازم خواهم شد
Je sentirai	س - سانتیره	احساس خواهم کرد
Je sortirai	س - سرتیره	خارج خواهم شد
Je servirai	س - سرویره	بکار خواهم برد
Je suivrai	س - سوئیوره	تعقیب خواهم کرد
Je vivrai	و - ویوره	زندگی خواهم کرد
J'écrirai	ز - کریره	خواهم نوشت
Je mourrai	م - مورره	خواهم مرد
Je tiendrai	ت - تی بن دره	خواهم گرفت

لفظ	تلفظ	معنی
Je viendrai	ژ - وی بندره	خواهم آمد
Je devrai	ژ - د - و - ره	خواهم بایست
Je recevrai	ژ - ر - س - و ره	دریافت خواهم کرد
Je pourrai	ژ - پوره	خواهم توانست
Je voudrai	ژ - وود - ره	خواهم خواست
Je saurai	ژ - سره	خواهم دانست
Je boirai	ژ - بواره	خواهم نوشید
Passé composé		ماضی نقلی
Je suis descendu	ژ سوئی دساندو	یائین آمده‌ام
J'ai entendu	ژه - آنتاندو	شنیده‌ام
J'ai repondu	ژه - ریپوندو	جواب داده‌ام
J'ai voulu	ژه - وولو	خواسته‌ام
J'ai mis	ژه - می	گذاشته‌ام
J'ai pris	ژه - پری	گرفته‌ام
J'ai dormi	ژه - درمی	خوابیده‌ام
Je suis parti	ژ سوئی - پارثی	عازم شده‌ام
J'ai senti	ژه - سانتی	احساس کرده‌ام
Je suis sorti	ژ - سوئی - سرتی	خارج شده‌ام
J'ai servi	ژه - سروی	بکار برده‌ام
J'ai suivi	ژه - سوئی وی	تعقیب کرده‌ام
J'ai vécu	ژه - وکو	زندگی کرده‌ام
J'ai écrit	ژه - اگری	نوشت‌ام

تلفظ	تلفظ	معنی
Je suis mort	ز - سوئی - مر	مرددم
J'ai tenu	ژہ - تنو	گرفتم
Je suis venu	ز - سوئی - ونو	آمدهام
J'ai dû	ژہ - دو	بایستم
J'ai reçu	ژہ - رسو	دریافت کردهام
J'ai pu	ژہ - پو	توانستم
J'ai voulu	ژہ - وولو	خواستہام
J'ai su	ژہ - سو	دانستم
J'ai bu	ژہ - بو	نوشیدهام

Verbes irrégulières du [II] groupe

افعال بیقاعدہ گروه سوم

Je couvre	ز - کو - ور	می پوشانم
N.couvrons	نو - کو - ورن	می پوشانیم
J'ouvre	ژو - ور	ماز میکنم
Je cueille	ز - کوی	می چینم
N.cueillons	نو - کویون	می چینیم
Je conduis	ز - کندوئی	راهنمایی می کنم
Je dis	ز - دی	میگویم
Vous dites	وو - دیت	میگوئید
Je lis	ز - لی	میخوانم
N.lisons	نو - لیزون	میخوانیم
Je me tais	ز - مو - ته	سکوت می کنم
N.nous taisons	نونو تزن	سکوت می کنیم

لغت	تلفظ	معنی
Je plais	ژ - پله	خوشم میآید
N.plaisons	نو - پلهژن	خوشمان میآید
Je nais	ژ - نه	متولد میشوم
N.naissons	نو - نهسون	متولد میشویم
Je vais	ژ - و	میروم
N.allons	نو - زالون	میرویم
Je cours	ژ - کور	میدوم
Je fais	ژ - فه	انجام میدهم
V.fait	وو - فت	انجام میدهند
Je ris	ژ - ری	می خندم
J'éteins	ژتن	خاموش میکنم
N.éteignons	او - زتنبون	خاموش می کنیم
Je m'assois	ژ - ماسوا	می نشینم
Je m'assieds	ژ - ماسیه	می نشینم
N.nous asseyons	نو - زاسه یون	می نشینیم
	—	—
Je vois	ژ - ووا	می بینم
N.voyons	نو - ووا یون	می بینیم
Imparfait		ماضی استمراری
Je couvrais	ژ - کو - وره	می پوشاندم
J'ouvrais	ژ - وره	باز می کردم

معنی	تلفظ	لغت
می چیدم	ز - کویِه	Je cueillais
می گفتم	ز - دیزِه	Je disais
می خواندم	ز لیزِه	Je lisais
خوشم می آمد	ز پلهزِه	Je plaisais
سکوت می کردم	ز - مو - تهزِه	Je me taisais
متولد می شدم	ز - نه سه	Je naissais
میرفتم	زالِه	J'allais
میدویدم	ز - کوره	Je courais
می کردم	ز - فهزِه	Je faisais
می خندیدم	ز ریه	Je riais
میدیدم	ز - ووايه	Je voyais
می بایست	ایل فالِه	Il fallait
آینده		Futur
خواهم پوشانم	ز - کووره	Je couvrirai
خواهم چیدم	ز - کوپوره	Je cueillerai
خواهم گفتم	ز - دیره	Je dirai
خواهم خوانم	ز - لیره	Je lirai
متولد خواهم شد	ز - نه تره	Je naîtrai
انجام خواهم داد	ز - فوره	Je ferai
خواهم خندیدم	ز - ریره	Je rirai

معنی	تلفظ	لغت
ماضی نقلی		Passé composé
پوشاندهام	ژ-کو-ور	J'ai couvert
باز کردهام	ژ-او-ور	J'ai ouvert
پیدا کردهام	ژ-ا-کو-ای	J'ai cueilli
گفتهام	ژ-دی	J'ai dit
خواندهام	ژ-لو	J'ai lu
خوش آمدهام	ژ-پلو	J'ai plu
سکوت کردهام	ژ-مو-سوئی-تو	Je me suis tû
شناختهام	ژ-کونو	J'ai connu
ظاهر کردهام	ژ-پارو	J'ai paru
متولد شدهام	ژ-سوی-نه	Je suis né
انجام دادهام	ژ-فه	J'ai fait
خندیدهام	ژ-ری	J'ai ri
خاموش کردهام	ژ-اتن	J'ai éteint
تشتت کردهام	ژ-مو-سوئی-آسی	Je me suis assis
—	—	—
دیدهام	ژ-وو	J'ai vu
بایستی	ایل-آ-فالو	Il a fallu
خوش آمده	پلو	Plu
جواب داده	رپوند	Répondu
دریافت کرده	رسو	Réçu
دانسته	سو	Su
سکوت کرده	تو	Tû
دیده	وو	Vu
خواست	ولو	Voula
زندگی کرده	وکو	Vécu
رفتهام	ژ-سوئی-زاله	Je suis allé
رفته بودم	ژ-ند-زاله	J'étais allé

مکالمات روزمره فرانسه

www.KetabFarsi.com

هوا و فصل

Le printemps	(لُ پرنِتام)	بهار
l'été	(لِ ت)	تابستان
l'automne	(لُ توم)	پائیز
l'hiver	(لی ور)	زمستان
mouillé	(مویه)	بارانی، نم
beau, belle	(بُو، بِل)	خوب
sec, sèche	(سِک، سِش)	خشک
le vent	(وان)	باد
La glace	(گِلس)	یخ
Brouillard	(برویار)	مه
Glacier	(گِلسیر)	یخ بستن
La pluie	(لُ پلوئی)	باران
La Nuage	(نیواژ)	برف
Ensoleillé	(آن سولیه)	آفتابی
chaud	(شو)	گرم
Froid	(فروآ)	سرد
l'an, année	(آن - آنه)	سال
Le mois.	(لُ موا)	ماه
La semaine	(لُ سومن)	هفته

بدن انسان کو		
Le corps		
Le front	(فِرُون)	پیشانی
Le menton	(مان تون)	چانه
Le cheveu	(شوو)	مو
l'œil-les yeux	(اوئی - لزیو)	چشم - چشمها
le cil.	(ل سیل)	پلک چشم
Le nez	(ل نه)	بینی
Le portrait	(ل پورتر)	تصویر
Le sourcil	(ل سورسیل)	ابرو
Le visage	(ل ویزاژ)	چہرہ
La dent	(ل دان)	دندان
La langue	(ل لانگ)	زبان
La joue	(ل ژو)	گونه
La levre.	(ل لور)	لب
L'oreille	(ل ری)	گوش
Gauche (m.f.)	(گوش)	چپ
Droit-droite	(دروآ - دروات)	راست
La peau	(ل پو)	پوست
Le cou	(ل کو)	گردن
Le coude	(ل کود)	آرنج

Le genou	(لُ زِنُو)	زانو
Le doigt	(لُ دُو آ)	انگشت
Le bras	(لُ بَرَا)	بازو
Le dos	(لُ دُو)	پشت
Le membre	(لُ مَأمِر)	عضو
Le pied	(لُ بِي يَه)	پا
La jambe	(لُ زَامِب)	ساق پا
La main	(لُ مَن)	دست
La poitrine	(لُ پُوَاترِين)	سینه
L'epaule	(لُ پُول)	شانه
La tête	(لُ تِت)	سر
La bouch	(لُ بُوَش)	دهان
L'aile	(لُ لُ)	بال

Avec les yeux, je vois.

(اوك لزيو، ژو وو آ)

با چشمها می بینم .

Avec les oreilles, j'entends.

(اوك لزيوري، ژان تان .)

با گوشهايم ، می شنوم .

Avec le nez, je sens.

(اوك لنيه، ژوسان)

با بينی می بويم .

Combien de membres avez-vous?

(كوبين دو مامبر آووو)

چند عضو داريد؟

La famille خانواده

Le pere	(لِپِر)	پدر
Le frere	(لِفِرِر)	برادر
Le neveu	(لِنُو)	پسر برادر، پسر خواهر
Le fils	(لِفِيس)	پسر
L'ami	(لَامِی)	دوست
La mere	(لِمِر)	مادر
La fille	(لِفِی)	دختر
La belle-mere	(لِبِلِمِر)	نامادری
La cousine	(لِکوزِین)	دختر عمو - دختر دایی
La dame	(لِدَم)	زن
La femme	(لِفَم)	زن
La niece	(لِنِيس)	خواهر یا برادرزاده
La tante	(لِتانت)	خاله، زن عمو، زن دایی
L'enfant	(لِآن فَان)	بچه
Le beau-frere	(لِبو فِرِر)	برادر زن یا شوهر
Le cousin	(لِوُکوزِن)	پسر عمو - پسر دایی
Le mari	(لِ ماری)	شوهر
L'oncle	(لِ اَنکَل)	عمو - دایی
Épouser	(اِبُوْزَه)	ازدواج کردن

La sour	(لَسُور)	خواهر
La grand mere	(لِگِرَانِ مِر)	مادر بزرگ
Le grand-oncle	(لِگِرَانِ اُونَكَل)	عمو بزرگ
Le grand-père	(لِگِرَانِ پِر)	پدر بزرگ
La grand tante	(لِگِرَانِ تَانَت)	عمو بزرگ

Les défauts physique .

oyoubé djesmâni عیوب جسمانی

La cécité	kouri-nâ binâi	کورى - نابیناى
L'aveugle	kour	کور
Le mutisme	lâli	لالى
Un muet	lâle	لال
La surdit�e, un sourd	kari - kar	كرى - كر
Le sourd - muet	karo lâle	كر و لال
Le boitement, un boiteux	lingui - lingue	لنگى - لنگ
Un estropi�e	naghessol ozve	ناقص العضو
Un borgne	y�k tchachme	يك چشم
La myopie, un myope	nazdik bini, nazdik bine	نزديك بين - نزديك بينى
Le presbytie, prespyte	dour bini - dour bine	دور بين - دور بينى
Un bossu	kouge pochte - ghouzi	گوژ پشت - قوزى
Un boiteux	lingue	لنگ
Un manchot	y�k daste	يك دست

<u>Nombres</u>	<u>اعداد</u>	
un	(أَن)	یک
deux	(دو)	دو
trois	(تِروا)	سه
quatre	(گَتر)	چهار
cinq	(سَنک)	پنج
six	(سیس)	شش
sept	(سِت)	هفت
huit	(وی)	هشت
neuf	(نُف)	نه
dix	(دیس)	ده
onze	(انز)	یازده
douze	(دُوز)	دوازده
treize	(تِرز)	سیزده
quatorze	(گَتورز)	چهارده
quinze	(گَنز)	پانزده
seize	(سِز)	شانزده
dix-sept	(دی سِت)	هفده
dix-huit	(دیزائی)	هیجده
dix-neuf	(دیس نُف)	نوزده

vingt	(وَن)	بیست
vingt et un	(وَنْتِ اِن)	بیست و یک
vingt deux	(وَن دُو)	بیست و دو
vingt trois	(وَن تِروَا)	بیست و سه
trente	(تِرَانْتِ)	سی
trente et un	(تِرَانْتِ اِن)	سی و یک
trente-deux	(تِرَانْتِ دُو)	سی و دو
quarante	(کِرَانْتِ)	چهل
quarante et un	(کِرَانْتِ اِن)	چهل و یک
quarante-deux	(کِرَانْتِ دُو)	چهل و دو
cinquante	(سَن کَانْتِ)	و پنجاه
cinquante et un	(سَن کَانْتِ اِن)	پنجاه و یک
cinquante-deux	(سَن کَانْتِ دُو)	پنجاه و دو
soixante et un	(سُو سَانْتِ اِن)	شصت
soixante deux	(سُو سَانْتِ دُو)	شصت و دو
soixante-dix	(سُو سَانْتِ دِيس)	هفتاد
soixante et onze	(سُو سَانْتِ اِنز)	هفتاد و یک
quatre-vingts	(کِ تِرُوَن)	هشتاد
quatre-vingt-un	(کِ تِرُوَن اِن)	هشتاد و یک
quatre-vingt-deux	(کِ تِرُوَن دُو)	هشتاد و دو
quatre-vingt-dix	(کِ تِرُوَن دِيس)	هشتاد

quatre-vingt-onze	(گتروُن اُنز)	نودویک
quatre-vingt-douze	(گتروُن دُوَز)	نودودو
	(گتروُن دِیسُف)	نودوسه
quatre-vingt-dix-neuf		
cent	(سان)	صد
mille	(میل)	هزار
Lundi	(گن دی)	دوشنبه
Mardi	(ماری)	سه‌شنبه
Mercredi	(مِرک دی)	چهارشنبه
Jeudi	(ژودی)	پنجشنبه
Vendredi	(واندردی)	جمعه
samedi	(سَم دی)	شنبه
Dimanche	(دی مانش)	یکشنبه

Les Fruits میوه جات

La pomme	سیب	La châtaigne	شاه بلوط
La poire	گلابی	L'olive	زیتون
La poirier	درخت گلابی	Olive de bobême	سنجد
La grenade	انار	La datte	خرما
Le raisin	انگور	Le coco	نارجیل
La pêche	هلو	Le concombre	خیار
Le brugnion	شلیل	Le maïs	ذرت
Le coing	به	La pastèque	هندوانه
La prune	آلو-گوجه	Le melon	خریزه
L'abricot	زرد آلو	La noix	گردو
L'orange (f)	نارنج	La noisette	فندق
Le citron	لیموترش	L'amande	بادام (مغز)
Le limon	لیمو	Le raisin sec	کشمش
La mandarine	نارنگی	La pistache	پسته
La figue	انجیر	Le noyau	هسته
La nèfle	ازگیل	La carotte	هویج - زردک
La cerise	گیلاس	Mûr	رسیده
La cerise aigre	آلوبالو	Véreux	کرمو
La groseille	انگور فرنگی	La laitue	کاهو
La fraise	توت فرنگی	La manthe	نعناع
La framboise	تمشک	L'estragon (m)	طرخون
La mûre	توت	Le radis	ترب
Le gland	بلوط	La fleur	گل

Les Métiers

Armurier	اسلحه ساز	Le coiffeur	ادایشگر
Epicier	عطار	Le colporteur	حمال
Libraire	کتاب فروش	Le confiseur	قناد
Coiffeur	سالمانی	Le savetier	پینه دوز
Tapissier	فرش فروش	La couturière	خیاط زن
Menuisier	نجار	Le compositeur	کمپز تیور
Barbier	سالمانی	Le dentiste	دندان ساز
Charpentier	نجار	L' ébéniste	نجار
Chapelier	کلاه دوز	Le fabricant	سازنده
Couturière	خیاط زن	Le tisserand	بافنده
Pâtissier	شیرینی فروش	Le ferblantier	حلبی ساز
Blanchisseuse	رخت شور	Le forgeron	آهنگر
Vitrier	شیشه گر	L' horloger	ساعت ساز
Jardinier	باغبان	Le joaillier	جواهر ساز
Changeur	صراف	Le libraire	کتاب فروش
Commissionnaire	کمیونر	La librairie	کتابفروشی
		Le négociant	تاجر
		L' imprimeur	چاپچی
		Le médecin	طبيب
		Le peintre	نقاش

تلفظ	فرانسہ	فارسی
عبارات متداول		
ز	J'ai	دارم
ز. نه ہا	Je n'ai pas	ندارم
ز و	J'a vais	داشتم
ز دزیر	Je désire	آرزو دارم
ز و	Je veux	میخواهم
ز پرفر	Je préfère	ترجیح میدهم
ز وودرہ	Je voudrais	دوست دارم
ز ووری	Je vous prie	لطفاً
پردون	Pardon	عذرت میخواهم
دیتہ موآ	Dites - moi	بمن بگوئید
دو نہ موآ	Donnez - moi	بمن بدهید
مونتتر موآ	Montrez - moi	بمن نشان بدهید
آپرتہ - موآ	Apportez - moi	برایم بیاورید
پوہ و	Puvez - vous?	میخواہیں؟
اوپ و	Avez - vous	آیا دارید؟
اس	Est - ce?	آیا آن هست؟
یا تیل	Y a - t - il	آیا هست؟
کل	Quel	چه
او	Où	کجا
کان	Quand	چه وقت
کومان	Comment	چقدر
کن برین	Combien	چند؟
وواسی	Voici	اینجا هست